

۱. لزوم نگاه طریقی به ابزارها و کارشناسی های نوین

نباید تردید کرد که ابزارهای جدید (که البته برخی چندان هم جدید نیست) و آن چه قاعدتا در آینده می آید، موضوعیت نظیر اقرار، بینه یا لوث و قسامه ندارد. به تعبیری این پدیده‌ها امارات هستند نه دلیل قانونی.

از این رو نگاه به داده‌های این ابزارها و کارشناسی بر پایه آن‌ها - تا وقتی در قالب دلیل قانونی قرار نگرفته و شرایط آن را پیدا نکرده، که مفروض سخن نیز همین است - نمی‌تواند به اثبات مطلق باشد یا به نفی مطلق^۱ (نقد برخی از انگاره‌های اطلاق که مورد اشاره قرار گرفت).

۲. اعتبار و عدم اعتبار استناد؛ تابعی از اختلاف مبانی، موارد، ابزارها و شرایط

- در رای به اعتبار استناد به ابزارهای جدید و عدم آن، نباید اقتضای مبانی پیشین را نادیده گرفت؛ به عنوان مثال: مبنای فقیه در اعتبار استناد به علم قاضی و عدم، اختلاف در شرایط شاهد و اعتبار تعدد، عدالت، جنسیت خاص و عدم (=کفایت وثوق الا در موارد خاص) در مساله حاضر اثرگذار است.
- چنان که اختلاف موارد، مثلا بودن مساله از موارد دعاوی حقوقی و مدنی تا بودن آن از موارد دعاوی کیفری یا باب حدود در مساله اثرگذار است؛ زیرا قانون «الحدود تدرأ بالشبهات» - بر فرض قبول آن، در دعاوی حقوقی و مدنی موضوع ندارد؛ از این رو در بخشهایی از دعاوی حقوقی می‌توان به داده‌های ابزارهای نوین کشف، اعتماد کرد ولی در بخشهایی از دعاوی مدنی و کیفری نمی‌توان.^۲
- افزون بر این، کیفیت و تکنیک به کار رفته در ابزارهای نوین را نیز باید در نظر گرفت. ممکن است داده‌های این ابزارها با پیشرفت تکنولوژی و دقت بیشتر و وجود اهل خبره در کاربرست آن‌ها به مرزی از اعتماد برسد که عدم اعتماد به آن‌ها نوعی وسواس ناموجه به شمار آید، در حالی که در مواردی چنین نیست. البته حسب تجربه‌ای که ما از برخی متخصصان این امور داریم، معمولا ادعای آن‌ها چاق‌تر و قاطع‌تر از واقع هست. از این رو با چند پرسش محدود معلوم می‌شود، آن چه قطعی انگاشته شده، قطعی نیست. بنابراین به صرف استناد به داوری این متخصصان قضاوت و کارشناسی صحیح نیست.

۱. البته حالات استثناء وضعیت دیگری دارد که در ادامه می‌آید.

۲. موارد را قبلا تعیین کردیم.

- همچنین ممکن است (مثلا) با تصرف در ژن افراد، اقتضائات ژن، قرینیت و دلالت خود را از دست بدهد، چنان که با خلق دستگاه‌های قوی و پدید آوردن صحنه‌های مشوش، کل این امور به هم بریزد. پدیده هوش مصنوعی که این روزها مطرح است، در این باره می‌تواند نقش آفرین باشد. بنابراین داده‌های این ابزارها، چنان که رو به ازدیاد اعتبار هست - برعکس - گاه رو به اعتماد زدایی است. در این جا است که نقش این تغییرات در اعتبار و عدم اعتبار استناد معلوم می‌شود.

۳. اعتبار در حد تحقق موضوع و خیر الطرق المیسرة و لزوم توجه به اختیارات حاکمیت در اعتبار وعدم

- واضح است که تحقق لوث^۳ به انضمام قسامه می‌تواند محقق موضوع و از ادله اثبات دعوا در برخی دعاوی کیفری باشد. و از مصادیق بارز لوث، داده‌های ابزارهای کشف مورد بحث است. یکی از فقیهان معاصر^۴ - قدس سره - در جواب:

«آیا نظریات کارشناسان فنی که دارای شرایط شهادت نیستند، میتواند منشا حکم قرار گیرد، ولو این که از نظریه آنان، علم حاصل نشود؟» فرموده است:

«با نبودن شرایط شهادت، قول آن‌ها شرعا حجت نیست؛ ولی با حصول ظن از قول آن‌ها در جنایات، لوث محقق می‌شود و با حصول علم، حاکم شرع به علم خود حکم کند».

البته در بیان شرایط و لزوم تحصیل علم علی‌الاطلاق که مورد نظر این فقیه است، ملاحظه وجود دارد که در جای خود، متعرض آن شده‌ایم.

- گاه به نظر می‌رسد داده‌های ابزارهای نوین با عنوان «خیر الطرق المیسرة» می‌تواند در برخی تعیینات و دعاوی مورد استناد قرار گیرد، اگر ظن قوی یا اطمینان و علم عرفی بیاورد، بلکه برای الحاق مطلق ظن نیز، وجهی قابل دفاع وجود دارد. البته به شرطی که طرق معتبر شرعی یا تحصیل قرائن بیشتر در مورد ممکن نباشد. مثلا در الحاق طفل مجهول‌الهویه به فردی خاص یا تعیین وارث در وقت شک و نبود نشان معتبر، اعتماد به این ابزارها و فصل خصومت یا حل مشکل با آن‌ها، می‌تواند راهگشا باشد.

- همچنین به نظر می‌رسد، کلیت مساله را نباید فردی محض بررسی کرد بلکه حاکمیت برای ایجاد وحدت رویه ایجاد نظم اجتماعی و رفع فساد و فتنه‌ی اختلاف می‌تواند اعمال اختیار کند، مثلا اعتماد به این ابزارها را در امور قضایی منع کند یا در مواردی حکم به اعمال کند و...

۳. لوث = وجود قرائن و اماراتی که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب از جانب متهم می‌شود.

۴. آیه الله سید محمد رضا گلپایگانی، گنجینه آرای فقهی - قضایی، ج ۲، کد ۱۸۴۷۴.